هُوَ
۱۲۱

۲۰۱

سلسله درسهای عرفانی

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

درباره‌ی ذکر و فکر

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

ذکر در لغت یعنی یاد ولی در قلمرو امور دینی یعنی یاد خدا. نه یاد چیز دیگری، آنوقت اهل شریعت می‌گویند که هر نام خدا را که تکرار کنید و بگویید، می‌شود ذکر که البتّه معمولاً به تناسب آنچه که می‌خواهند، می‌گویند؛ مثلاً کسی مریضی دارد یا دکتری است که می‌خواهد مریض‌هایش شفا پیدا کنند، می‌گوید: «یا شافی». یکی روزی‌اش می‌خواهد زیادتر شود، می‌گوید: «یا رزّاق» اگر هم بگوید: «یا جبّار»، «یا قهّار» گناه ندارد ولی معنایش این است که خدایا از این بدترش کن. ذکرهایی که اینطور می‌گویند، بسته به تناسب خواسته‌ای است که از خدا دارند، البتّه خواسته را خدا از مردم عوام مثل ما قبول می‌کند وإلّا ذکری که برای چیزی باشد، ذکر نیست.

در قلمرو مذهبی، در بین عرفا و متصوّفه، ذکر معنای خاصّی دارد. همان معناست، کوچکتر مثل اینکه یک ذرّه‌بین می‌گیرید تا مطلب روی این کاغذ را بخوانید. بعد همینطور دایره را تنگ‌تر می‌کنید و ذرّه‌بین را می‌آورید جلو، از دو طرف کَم می‌شود تا اینکه به یک نقطه توجّه می‌کنید. ذکر در عرفان هم همینطور است یعنی یاد خدا، یاد یکی از صفات خدا و خاصیّتی که بیشتر از این دارد، این است که کسی که سِمَت ارشاد و تربیت عرفانی دارد، به تناسب حالات طالب، ذکری را انتخاب می‌کند و به او می‌گوید. حالا تفاوت این با ذکری که بطور معمولی می‌گویند چیست؟ البتّه در همه‌ی درجات ذکر، مهم است که حواس کاملاً متوجّه مطلب ذکر باشد ولی ذکرهای لسانی که علماء معمولاً می‌گویند، فقط تکرار به زبان است. البتّه این بی‌اثر نیست ولی اثر عمده‌ای ندارد. به‌خصوص خیلی که تکرار شود، اصلاً از معنی خود می افتد. امّا ذکری که در عرفان می‌دهند، اثر قطعی و هدفی هم که بیشتر از آن می‌خواهند همین است که حواسّ انسان متوجّه یک نقطه‌ی خاصّی شود که بتواند هر وقت خواست و اراده کرد حواسّ خود را در جایی متمرکز کند. امّا اگر مقصود فقط این باشد کارهایی که در یوگا هست، در مدیتیشن هست که همین کارها را می‌کند ولی تفاوت اصلی این است که در ذکر عرفانی فقط خود را نمی‌بیند چون این ذکر را کسی به او داده، پیر به او داده است، در همان حالی که این ذکر را می‌گوید، پیر، خودبه‌خود بر او ظاهر می‌شود و به‌علاوه همان صفت از صفات الهی که باید راهرو و سالک به او توجّه کند، او را مورد نظر دارد.

یک نامی از خدا هست به نام «الله» که شامل تمام اسماء و صفات خدایی است یعنی وقتی می‌گوید: «الله» تمام اسماء و صفات خدا را در نظر دارد. این است که می‌گویند: «الله» اسم جامع است

ولی وقتی که سالک خیلی دلتنگ است، ذکری می‌دهند که راجع به راحتی باشد می‌گویند: «یا مفرّح» در آیه‌ای از قرآن هست: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ (سوره فاطر، آیه ۳۴) شکر خدایی که حزن را از ما دور کرد یا در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: لاتَخَفْ وَلاتَحْزَنْ (سوره عنکبوت، آیه ۳۳) نترس و حزن به خرج نده. البتّه اسم «هو»، اسم «الله»، همه‌ی اینها را شامل می‌شود. ممکن است اسم الله که تمرکز فکر را به خود گرفت، آنوقت ذکرهای دیگری به او بدهند یا ذکرهایی را خودش انتخاب کند و برحسب حال و با اجازه بگیرد. این هدف عمده‌ی ذکر است که در واقع بتواند تمرکز حواس داشته باشد و این تمرکز حواس روی یک صفت و اسم خاصّی است که مورد نیاز روحی شخص است. امّا در مورد فکر ببینید، طرق یاد خدا، یکی به زبان است (که می‌شود ذکر زبانی یا همان ذکر لسانی) دیگری ذکر قلبی که بین قلب و زبان است. امّا دریچه‌ی دیگری که مطالبی وارد ذهن ما می‌شود، چشم و دیدن است. برای اینکه سالک جز خدا نبیند. به‌قول سعدی:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حدّ است مقام آدمیت

چشم، همه‌ی چیزهای اطراف را می‌بیند و همه چیزهایی را که می‌بیند، نمی‌شود از بین برد. این همه در محیط چیزهای مختلف، همه را می‌بینیم. نگاه نمی‌کنیم ولی می‌بینیم. امّا آنچه ما می‌خواهیم وارد روح ما شود، فکر گفته‌اند و به‌قولی صورت فکریّه. تصوّر لغت همان فکر است. فکر غالباً به اختیار ما نیست. گاهی در فکر، مثل این است که خوابمان ببرد. یک ربع می‌گذرد و می‌فهمید که مدّتی در مورد مسائلی که چه بسا مهم نبوده فکر کرده‌اید. در اینجا هم برای اینکه فکر را در اختیار بگیرید، درجه‌ی اوّلیه این است که به‌اصطلاح رشته‌ی خاصّی، مثلاً معانی فلان چیز را، بگویند. خود این فکر ادامه پیدا می‌کند. در اینجا عمده هدف این است که فکر خودمان و سلسله‌ی افکار خودمان را به اختیار بگیریم یعنی نگذاریم همیشه فکر از دست ما در رود و خودمان نفهمیم راجع به چه داریم فکر می‌کنیم. البتّه این فکر که از دست در می‌رود، اگر خیلی سر خود شده باشد، بیماری‌های روانی خاصّی ایجاد می‌کند و برای اینکه از آنها جلوگیری شود می‌گوییم اینطوری فکر کنید. بعد فکر چون همیشه در ما هست، چه در حالی که غذا می‌خوریم و چه حرف می‌زنیم، چه نگاه به جایی می‌کنیم، در همه‌ی این موارد فکر کار خود را می‌کند. برای اینکه بتوانیم وقتی کاری می‌کنیم، فکر خود را متوجّه آن کنیم، فکر و صورت فکریّه را به شما می‌گویند. تمام اینها برای این است که قوای روحی خودتان در تحت اختیار خودتان باشد. به آنچه لازم است فکر کنید و آنچه لازم است مد نظر بیاورید و آنچه لازم است بگویید. آنوقت اینجا ذکر قلبی می‌آید. ذکر قلبی که می‌گویند منظور این قلب نیست. منظور درون ماست که خودآگاه و ناخودآگاه ما، هر دو باشد.

به این طریق فرقی نمی‌کند که ذکر یا فکری را تغییر بدهند یا عوض شود. پس چرا گاهی اوقات آن را عوض می‌کنند؟ مثالی می‌زنم. در دستورات طبّی به یکی که روماتیسم یا آرتروز دارد می‌گویند صبح‌ها نصف استکان آبغوره بخور، برای تو خیلی خوب است ولی یک مدّتی که می‌گذرد وقتی آرتروز او بهتر شده و شخص بر آن بیماری مسلّط و حالش بهتر شده، می‌بینند معده‌ی او به درد آمده و طاقت آبغوره خوردن ندارد. در این حالت داروی او را عوض می‌کنند و می‌گویند: دیگر آبغوره نخور. مثال‌های

خوراکی که می‌زنم برای این است که خیلی مشخص است. حال یکی لَافَتَی اِلَّاعَلِی لَاسَیفَ اِلَّاذُوالْفَقَارِ می‌گفته؛ مدّتی بعد احساس می‌کند که شمشیر ذوالفقار بالای سر اوست. او در ضمن اینکه می‌ترسد دچار ناراحتی می‌شود، به او می‌گویند بعد از این دیگر این را نگو. بگو «یا رحمان» و «یا رحیم». وقتی مقصود آن ذکر حاصل شد، به نحوی که تمام وجود او به آن ذکر و فکر تعلق داشت و آنوقت اقتضاء داشت که ذکرش عوض شود، عوض می‌شود ولی نه اینکه حتماً باید بعد از مدّتی عوض شود. این مدّت را هم در بعضی موارد تعیین کرده‌اند؛ در بعضی موارد دیگر تقریبی است.

امّا در مورد ذکر و فکر که دنباله‌ی اوست، سالک وقتی صفت رحمانیّت خدا را در نظر می‌گیرد، اگر خیلی به صفت رحمت خدا تکیه کند، ممکن است از گناهان پرهیز نکند. این است که ذکرش را عوض می‌کنند و می‌گویند: «یا غفّار الذنوب» بگو. فکر نکنید این موضوع برای همه است، نه برای بعضی حالات است. اصل عمده این است، ذکری که داده شده کلاً بر وجود انسان مسلّط باشد و آدم احساس کند وقتی فکر رحمت خدا را می‌کند، احساس کند که همه چیز او رحمت است که خدا داده. این نتیجه و هدف ذکر است که ان‌شاءالله برای همه‌ی ما حاصل شود. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۹)

*****

کسی سؤالی کرده بود راجع به عبارتی که از *بشارةالمؤمنین* نوشته بود. مسأله‌ی ظهور صورت و در نظر گرفتن صورت پیر است که در *رساله‌ی رفع‌شبهات* هم حضرت رضاعلیشاه شرحی درباره‌ی آن نوشته‌اند که بهتر است بخوانید و بدانید چون در مورد آن نادانسته ایراد می‌گیرند و اگر آن را نفهمیم مثل این می‌ماند که بگوییم لَا اِلٰهَ یعنی خدایی نیست و اِلَّا الله را نگوییم، مگر الله را نگوییم. حالا اگر ما گفتیم لَا اِلٰهَ و رحلت کردیم آیا ما را خدا کافر حساب می‌کند؟ نه! امّا برای اینکه به وحدت برسیم باید همه‌ی لَا اِلٰهَ اِلَّا الله را با معنا بگوییم، آنوقت موحّد هستیم. این اساس توحید است.

در مورد ظهور صورت در موقع عبادت و یا موقع ذکر که گفته‌اند. این امر خودبه‌خود ظاهر می‌شود و این مطابق قاعده‌ای در روانشناسی است به نام تداعی معانی. بیشتر این قواعد را اگر ما دقّت کنیم مثل آزمایشگاهی در خودمان می‌بینیم. تداعی معانی این است که یک مطلبی که به خاطرمان آمد این مطلب، ما را به مطلب دیگری بکشاند. چنانکه تا می‌گویند سعدی شما یاد *گلستان* می‌افتید، چون کتاب اوست. وقتی دو چیز با هم چسبیده بودند، یکی را که گفتند دیگری خودش کشیده می‌شود یا دو چیز کاملاً ضدِّ هم بودند وقتی این را گفتید آن هم به ذهن می‌آید. مثلاً تا می‌گویند شمر، امام‌حسین به یاد می‌آید. البتّه این در مورد کسی است که دقّت روی معانی داشته باشد. ذکر قلبی هم یک کلمه است که در کتاب‌ها نوشته شده و شما هم در کتاب‌ها آن را دیده و خوانده‌اید ولی هیچ اثری برای شما نداشته ولی وقتی اهل فن یعنی صاحب نیرویی که قدرت را می‌دهد به شما گفت این را به‌این‌صورت، به‌صورت ذکر، بگویید، می‌بینید اثر می‌کند. حالا قهراً وقتی در مذاکرات دوستانه، اسم آن شیخی، بزرگی را که این ذکر را به شما داده ببرند، خودبه‌خود در ذهن شما

ذکرتان به یاد می‌آید و یاد او می‌آیید. این است که اگر کسی واقعاً با علاقه‌مندی مشرّف شده و بعد با دقّت به این ذکر مشغول شود، وقتی ذکر گفت خودبه‌خود صورت آن کسی که پیش او مشرّف شده در ذهنش جلوه می‌کند. گاهی کم، گاهی زیاد. چون این ذکر را آن شیخ به شما داده است. اگر یک‌خرده جلوتر بروید می‌فهمید این ذکر از جانب شیخِ مجاز است که نفر قبل او هم مجاز بوده، تا می‌رسد به پیغمبر. بنابراین اگر بیشتر معتقد باشید و اعتقادتان قوی‌تر باشد یاد پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام در خاطرتان زنده می‌شود و نه یاد دیگری. یک‌خرده که بیشتر رفتید جلو، قلندر شدید، ملنگ شدید، محو شدید، یاد هیچ بشری نمی‌افتید و فقط یاد خداوند هستید. در ابتدا به‌این‌صورت است که هم خودتان یادتان است و هم طرف یادتان است، وقتی ذکر را می‌گویید یاد آن بزرگ می‌افتید یا یاد پیغمبر می‌افتید؛ به‌صورت مُباین یعنی در واقع مشرک هستید، خودتان را می‌بینید او را هم در ذهنتان می‌بینید، هر دو را می‌بینید. بعد یک‌خرده که جلوتر می‌روید به‌صورت حلول یعنی او را می‌بینید، به آن شیخ یا بزرگی که به خاطرتان می‌آید، توجّه دارید و فکر می‌کنید که روح خداوند در او حلول کرده که شما یادشان می‌کنید، بعد که جلوتر رفتید، به‌صورت اتّحاد می‌بینید که اصلاً او را خدا می‌بینید یعنی با خدا یکی است. منتها این حرف غلط است. آن مُباین درجه‌ی اوّل است، این شعر که در *گلشن راز* است درباره‌ی همین مطلب می‌گوید:

حلول و اتّحاد اینجا محال است که در وحدت دویی عین ضلال است

یعنی اینکه همه‌ی این حالات از آن آیه‌ای است که در قرآن درباره‌ی آتش جهنّم می‌فرماید: وَاِنْ مِنْكُمْ اِلَّا وارِدُها (سوره مریم، آیه ۷۱) غلط است که هم خودتان را می‌بینید و هم دیگری را. در وحدت دویی درست نیست. سالک در وحدت جز خدا نبیند:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حدّ است مقام آدمیت

(برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲۸)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر، مصافحه، عشق، حجاب، اتحاد و همدلی و خطبه سلسلة الاولیاء)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح وتفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.